

نفت

تحقیق و انصاف!

دکتر خسرو سعیدی

شرکت و فراهم‌ساختن جای پا برای سودبردن کافی «کمافی السابق» در طرح‌های آن‌ها هویدا بود، البته این رفتار هیات‌ها با ملاحظه‌ی سال‌ها سلطه‌گری دولت انگلستان در امور ایران و کسب منافع کلان نفت اعجاب‌آور نبود، چرا که زورمندان جهان هیچ‌گاه از منابع عظیم مادی خود که در کشورهای ضعیف داشته‌اند و دارند، به آسانی صرف نظر نکرده‌اند و نمی‌کنند.

در برابر این سعی به استثمارگری و تمایل به ادامه‌ی آن به صورت‌های دیگر، رعایت قانون ملی کردن که با زحمات بسیار و با استفاده از تضادهای سیاست‌های جهانی به دست آمده بود از سوی دولت ملی الزامی و غیرقابل عقب‌نشینی به نظر می‌رسید. دولت و مبارزان هواخواه اندیشیدند که در صورت پایداری کافی، کسب امتیازات بیش‌تر هنوز میسر است و در صورت بازگشت به روزگار قراردادهای تحمیلی و تسلیم در برابر زورگویی نتیجه‌ی کار از دید جامعه‌ی ایرانی و جهانی به هیاهوی بسیار برای هیچ تعبیر خواهد شد! بالاخره نوبت به پیشنهاد بانک جهانی رسید که تفاوت‌هایی با پیشنهادهای قبلی هیات‌ها در آن دیده می‌شد. ظاهراً رسیدن به توافق و فرونشستن بحران اختلافات خیلی نزدیک می‌نمود. مذاکرات به‌خوبی و در فضای حسن نیت تا مرحله‌ی تفاهم نهایی پیش می‌رفت

□ گزارش جناب آقای مجید مهران در صفحات ۹۰ و ۹۱ مجله‌ی گرامی **حافظ** (شماره‌ی ۲۲) حکایت از آن دارد که مطالعه‌ی پرونده‌ی قطور نهضت عظیم ملی کردن نفت ایران هنوز خاتمه نیافته است. البته حق هم همین است که در مورد جنبش‌ها و وقایع استثنایی و نقش شخصیت‌های بزرگ، بررسی‌های لازم برای قضاوت صحیح، ادامه یابد. لذا نگارنده نیز بی‌مورد نمی‌دانم در مورد مطالب مطروحه در همایش مورخ ۸۴/۹/۲۰ موضوع گزارش آقای مهران چند نکته‌ی زیر را ارائه نمایم.

خوانندگان گرامی قطعاً به‌یاد دارند که در برنامه‌ی دولت شادروان دکتر محمد مصدق تنها اجرای قانون نه ماده‌ی ملی کردن نفت در سراسر کشور بود و اصلاح قانون انتخابات. در مرحله‌ی عمل به مفاد قانون ملی کردن هم رسیدن به استقلال سیاسی و رهایی از چنگال و سلطه‌ی سیاست خارجی، هدفی فوق‌العاده و قبل از افزایش میزان سهام و عایدات مورد توجه و دارای اهمیت و اولویت بود؛ این هدف، یعنی تامین استقلال سیاسی در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های دکتر مصدق و یاران صدیق و هم‌دل او با صراحت و به تکرار بیان می‌شد، گرچه مخالفان نهضت در سال‌های بعد از مرداد ۱۳۳۲ و بالاخص محققین امروزی آن نیت و هدف را خیال‌پردازانه و مطلق خواهی

غیرعملی عنوان کرده‌اند. این اظهارنظرها چیزی از حقیقت موضوع و خواسته‌های نهایی دولت ملی و هواخواهان آن کم نمی‌کند، زیرا که آن‌ها از یک التهاب وجدان عمومی و مسوولیت تاریخی الهام می‌گرفتند و می‌گفتند در میان فریادهای جهانگیر آزادیخواهی و استقلال طلبی تنها تکیه بر افزایش درصدی از عایدات و سهام نفت و تنظیم قرارداد جدید بر این مبنای به این همه سر و صدا و جانپازی و تلاش در مجامع جهانی نیاز ندارد و خلاصه آن که باید اصل دعوی و هدف بزرگ را در تحقق و شناسایی واقعی قانون ملی شدن نفت ایران قرار دهیم.

در طول ۲۸ ماه خدمت دولت ملی هیات‌های متعددی به ایران آمدند و پیشنهادهای کم و بیش مشابهی ارائه نمودند که هیچ‌یک منافع ما را به‌عنوان صاحبان ثروت سرشار نفت تامین نمی‌کرد و در مقابل به‌نحوی حفظ منافع قبل از ملی شدن برای



احمدآباد بر مزار مصدق، ردیف اول از راست: (نشسته) مهندس نظام‌الدین موحد - دکتر ابراهیم یزدی - حسین راضی - پروفیسور حسن امین - اولین نفر ایستاده: دکتر خسرو سعیدی

که هیات ایرانی متوجه شدند که هیات بانک جهانی از این نکته که در قرارداد ذکر شود، بانک در مورد تعیین غرامات و... On behalf of the Persian Government به عنوان نماینده‌ی دولت ایران عمل خواهد کرد، عصبانی و ناراضی هستند و مایل به امضای قرارداد نیستند، زیرا در حالی که ایران و انگلیس هر دو سهامدار بانک جهانی بودند، تنها دولت ایران چنین درخواستی داشت. در نتیجه مذاکرات بدون رسیدن به توافق نهایی پایان می‌پذیرد. به طوری که کتاب‌های محققان و اسناد منتشر شده طی نیم‌قرن گذشته نشان می‌دهد، دولت انگلستان با همراه کردن دولت امریکا با خود به موازات اعزام هیات‌هایی جهت مذاکره، طرح‌های مربوط به ساقط کردن دولت دکتر مصدق را هم تکمیل و آماده می‌کردند و در واقع به زعم آن‌ها سقوط مصدق به وسیله‌ی زور و ضربه بر توافق با او در سر میز مذاکره و بده و بستان منطقی ارجحیت داشت و در این «تصور» بدون تردید گزارشات مربوط به رشد و نفوذ کمونیست‌ها در ایران و خطرات حزب توده، بهانه‌ی مناسب و موثر بود. به هر حال مذاکرات هیات بانک جهانی هم که در نظر پاره‌ی منتقدان به صورت فرصتی طلایی جلوه کرده است، توفیق لازم را پیدا نکردند و می‌گویند: استفاده‌نکردن از آن فرصت اشتباهی از جانب دولت شادروان دکتر مصدق بوده است و تقصیر اصلی هم با زنده‌یاد مهندس کاظم حسینی می‌باشد که مشاور امین و مورد اعتماد ویژه‌ی نخست‌وزیر بود، یعنی اظهارنظر مخالف مهندس و استدلال بر خطرناک بودن اقدام مستقل بانک جهانی دکتر مصدق را ناچار از عدم قبول و امضای قرارداد نمود! ..

افرادی از حضور یافتگان در همایش بیستم آذرماه هشتاد و چهار، یاران و مشاوران دکتر مصدق را مردمانی «عامی» نامیده‌اند که لابد سواد و اطلاعات لازم در اوضاع سیاسی زمان خود و متناسب با مسوولیت‌هایشان را نداشته‌اند. این قبیل اظهارنظرها امید برداشت نتیجه‌ی مطلوب و بررسی منصفانه از همایش مذکور و نشست‌های مشابه را - که مورد نیاز روز، برای آگاه کردن جوان‌ها می‌باشد - به کلی منتفی یا بسیار ضعیف می‌کند. از بزرگان و نامداران تاریخ بسیار بوده‌اند که از دیدگاه رقیبان و منتقدان عیب و نقص‌هایی داشته‌اند و نویسندگان ضمن شرح خدمات چشمگیر به آن نقطه ضعف‌ها هم اشاره کرده‌اند، اما اتهامات ناسزاگونه‌ی از قبیل «عامی» بودن مشاوران مصدق و تلویحاً خود او - که نهضت کم‌نظیر جهانی را به وجود آوردند - یا «مصدق قصد اعدام سرتیپ افشار طوس را داشت!» یا او «خودش وسایل کودتای ۲۸ مرداد را فراهم کرد!» یا مضحک‌تر از همه «مصدق مجری سیاست خارجی (انگلستان) بود»، در مجلسی یا سمیناری که شان دادگاه ماندنی باید داشته باشد، علاوه بر این که به روشن کردن قضایا کمک نمی‌کند، دل و جان هر خواننده‌ی منصف را هم به درد می‌آورد! این جانب یقین دارم چنانچه نظرات بانک جهانی بلافاصله از طرف دولت مصدق پذیرفته و قرارداد امضا می‌شد، ناقدان حرفه‌ی آن‌را تسلیم و سازش خیانتکاران دانسته و مصدق و یاران او را نقض‌کننده‌ی قانون ملی کردن نفت معرفی می‌کردند... اما برگردیم به نسبت صفت «عامی» که مشاوران و همکاران مصدق - بنا بر ادعای افرادی حاضر در همایش - داشته‌اند و تنها در مورد زنده‌نام مهندس کاظم حسینی چند جمله‌ی یادآوری می‌کنیم.

مهندس حسینی، به قول استاد بزرگوار مهندس علیقلی بیانی،

«فرزند ارشد و شایسته‌ی ایران» بود. حسینی، عصاره‌ی اخلاص و تلاش در راه ایمان و عقیده و نمونه‌ی درستی و صراحت بیان در آن تاریخ یکی از چند نفر فارغ‌التحصیلان پلی‌تکنیک فرانسه بود که دوره‌ی تحصیلات خود را هم با رتبه‌ی شاگرد اولی طی کرده بود، اهل فضل خوب می‌داند که شصت، هفتاد سال پیش قبول شدن در پلی‌تکنیک فرانسه و پایان دادن تحصیلات با درجه‌ی ممتاز کار هر کس به خصوص آدمی «عامی» نبود و چنین آدمی قاعدتاً نمی‌توانست به‌فاصله‌ی کوتاهی از کارشناسان صاحب‌نام در رشته‌ی نفت و معادن شناخته شود، آن مرحوم در احساس مسوولیت برای انجام وظیفه و حفظ منافع ایران و کوشش تا آخرین نفس، نظیر نداشت و برای به‌ثمر رساندن کارهای اجتماعی و اصلاحات بی‌تاب بود.

مهندس حسینی کسی است که در فضای بی‌خبری سال ۱۳۲۷ (پیش از فعالیت‌های جدی نهضت ملی) براساس ماموریت محوله از جانب کمیته‌ی مرکزی حزب ایران وظیفه‌ی سنگین پیدا کردن سوابق و مدارک مورد لزوم پیرامون مطالعه‌ی قرارداد پُر شُر و شور نفت، میزان اجحافات شرکت نفت ایران و انگلیس، حساب‌سازی‌ها و تقلبات آن را با سرفرازی انجام داد و حدود خسارات عظیم صاحب اصلی آن طلای سیاه را محاسبه کرد.

این شخصیت ایران‌دوست و شجاع در راه انجام وظایفی که پذیرفته بود، به‌راستی از جان خود مایه گذاشت و با دست‌های خالی از مدرک و اسناد دادگاه‌پسند، پیگیری هدف را رها نکرد، او را به کرات تهدید به مرگ نمودند. (نقل به اختصار از یادداشت‌های منتشر نشده، صفحه‌ی ۱۹۲ زندگی‌نامه‌ی الهیار صالح) هنگام ایراد سخنرانی‌های مفصل مرحوم حسین مکی در مجلس شورای ملی، در مخالفت با قرارداد نفت و طرح گس - گلشائیان هم قسمت اعظم مطالب و اطلاعات فنی از جانب آن انسان فداکار و حاصل‌ماه‌ها تلاش و جست‌وجوی او بود.

مهندس حسینی عزیز ما مظهر جوانمردی، صبر و نظم بود. در دوران زندان‌ها و انجام کارهای اجتماعی و تظاهرات سیاسی با عشق و نیرویی برتر از نیروی جوان‌ها و بدون تفاخر و توجه به موقعیت بسیار محترم خود، مشارکت و اقدام می‌نمود و برای انجام کار کمر همت برمی‌بست. او به جوانان می‌فرمود: راه رسیدن به مقصود دراز است. شما، مانند جرقه‌ی که از روی آتش می‌پرد و لحظه‌ی بعد خاموش می‌شود، نباشید. فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را براساس حب و بغض‌های خصوصی نسبت به مسوولان پی‌ریزی و مبتنی نکنید، هدف‌ها خیلی بزرگ‌تر و والا هستند...

فعالیت‌های بیش‌تر شادروان حسینی در کانون مهندسين (بعد از شهریور ۱۳۲۰) و تلاش‌هایی که به تاسیس حزب ایران منجر گردید، قطعاً در این نوشته نمی‌گنجد، اما اینک که می‌خوانیم در همایشی از اهل فضل، افرادی (چند نفر؟ در چه سن و سال؟ و با چه میزان از اطلاعات؟) امثال مهندس حسینی در کنار دولت دکتر مصدق را مردمان «عامی» نامیده‌اند، جز این نتیجه نمی‌گیریم که بعد از قریب پنجاه و پنج سال، لابد وزرا و مشاوران بعدی شاغل در پست‌های دولت‌ها چنان با کارهای خود درخشیده و وظایف مربوط را به نحو عالی به انجام رسانده‌اند که در برابرشان شخصیت‌هایی مانند شادروان حسینی افرادی «عامی» به حساب می‌آیند، البته این «تحقیق» و این اندازه «انصاف» قابل توجه و یادگیری است!

تهران - دهم دی ماه ۱۳۸۴ ■